

که ارزش واقعی من چیست . همینکه از آرایش‌های خارجی آزاد شدم ، دیدم که چه قیمتی برای من فی‌الحقیقه قائل میشوند . از خیاط خود که در یک لحظه توجه و احترام عمومی را از من سلب کرده بود حق گله‌مندی پیدا کردم ، زیرا که بفتناً در یک عدم دهشتناکی داخل شده بودم . گاهی یک ساعت تمام در یک محفلی میماندم بدون اینکه بمن نگاهی کرده باشند و بمن فرصت نمیدادند که دهان بسخن باز کنم . اما اگر اتفاقاً شخصی به مجلسیان ایرانی بودن مرا اطلاع میداد فوراً در اطراف خود یک وزوزی میشنیدم : « آها ! آقا ایرانی است ؟ این یک چیز بسیار غریبی است . چگونه میتوان ایرانی بود . »

( نامه ۳۰ - مورخه ۶ ماه شوال ۱۷۱۲ )

( آینده ) دو نامه شیرین و مهم دیگر از « نامه‌های ایرانی »

در شماره آتیه طبع خواهد شد



## شیلر

ترجمه و نگارش آقای نصرالله فلسفی .

شیلر یکی از بزرگترین نویسندگان و شعرای آلمان و از مسبین طریقه « روماتیسم » میباشد . اینمرد بزرگ در سال ۱۷۵۹ با برصه وجود گذاشت و در سال ۱۸۰۵ درگذشت . پدرش بدو در قشون جراح بود و بعدها بصاحب منصبی نائل شد ، خانواده واجداد او نیز مردمان بزرگی نبودند و حرفه آنان از نانوائی و مدیریت میهمانخانه و امثال آن برتر نبود . شیلر خیلی ضعیف و لاغر متولد شد و در دوره زندگی هم هیچگاه روی صحت ندید . پدر و مادرش نخست او را به تحصیل الهیات گماشتند ، و قسمتی از ایام خردسالیرا در شهر « مارباخ » که مولد او نیز بود بسربرد . اما طولی نکشید که « شارل اوگوست » دوک « ورتبورگ »

امیر دادگه شیللررا بمدرسه جدید التأسيس شهر « اشتونکارت » بفرستند و برحسب امر او شیللرهفت سال از عمر خود را ( ۱۷۷۳ - ۱۷۸۰ ) در آنمدرسه بتحصیل حقوق وطب ، که طبعاً بهیچک متمایل نبود صرف کرد. ولی درخفا برائر ذوق فطری بمطالعه کتب ادبی میپرداخت .

شیللر در آنمدرسه که برایش بمنزله محبسی بود ، بدون اینکه ازدنیا وحقیقت آن اطلاع کاملی داشته باشد ، فقط برائر تصورات شاعرانه خویش و در نتیجه خواندن کتب روسو و امثال وی ، بانوع بشر وتمدن او دشمن غریبی پیدا کرده بود ، چنانکه این خصومت و بدبینی در کلیه آثار ایام جوانیش که عبارت از درامهای « راهزنان » ، « خدعه و عشق » و غیره میباشد ، بخوبی ظاهر است . بالاخره شیللر از مدرسه فرار کرد و پس از تحمل سرگردانیا و مصائب بیشمار عاقبت در سال ۱۷۸۷ به ایالت « ویمار » رسید و در شهر « ای به نا » متوقف گردیده بادختری موسوم به « شارلوت لنگفلد » عروسی کرد. کم کم توجه او بواسطه خواندن آثار فلسفی « کانت » بسوی فلسفه معطوف گردید و برای آنکه افکار فلسفی خود را تقویت نماید از ادبیات کناره گرفت و بتدریج آثار تاریخی و فلسفی او بوجود آمد که معروفترین آنها شورش هلند ( ۱۷۸۸ ) ، تاریخ جنگ سی ساله ، شعر محکم ومؤثر ( ۱۷۹۶ - ۱۷۹۵ ) و مکاتیب راجع بعلم زیبایی میباشد . ورود در محیط تاریخ و فلسفه افکار و عقاید شیللررا بکلی تغییر داد ، دیگر دشمن جماعات نبود و از تمدن کینه ای در دل نداشت .

تأثر هائی که از این تاریخ ببعده نوشته است مثل ماری استوار ، آواز ناقوس ، دوشیزه اورلئان ، ویلهلم تل وغیره عموماً از عقاید فلسفی او حکایت میکنند . شاهکارهای او غالباً غیر طبیعی است ولی شکوه پهلوآنها وموسیقی اشعار وقدرت شاعر در تنظیم آنها ، بحدی جالب وجذابست که خواننده و بیننده را کسالتی عارض نمیشود .

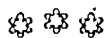
تأثر « ویلهلم تل » که ما آنرا ذیلا تلخیص کرده و از نظر خوانندگان

محترم میگذرانیم یکی از شاهکارهای معروف اوست ، در این تأثیر شیلدر نکات مهمه تاریخ را بازندگانی ساده و بی آرایش روستائیان در آمیخته و یک موضوع سیاسی را بدون اینکه در شخصیت و حیات حقیقی دخالت کندگان آن تغییری دهد بانجام میرساند .

سویس در جنگ ستمکاری دشمنان بیگانه اسیر است . وطن پرستان میخواهند خود را از اسارت خلاص کنند . و یلهلم تل کسیست که میتواند در سایه عزم و اراده خود وطن را از چنگال بیگانگان رهائی بخشد . ولی متأسفانه تل مرد انقلاب و شورش نیست . روح او با آرامش و سکون خو گرفته ، عقیده دارد که تا « مارا نیاززند کسیرا نمیگذرد » یعنی اگر اهالی صلح جو و ساکت باشند بالاخره دشمن دست از ستمکاری خواهد کشید . ولی خوشبختانه ستمکاری حاکم روح مسالمت آمیز و صلح خواه ویرا نیز دامنگیر میشود و او را مجبور میسازد که فرزند خود را هدف تیر قرار دهد . این ستمکاری بکلی روحش را تغییر میدهد و او را بسوی جنایت متوجه میسازد و بالتیجه نویسرا از اسارت اجنبی میرهاند .

## ویلهلم تل

هیزم شکنی از اهالی « التزلن » موسوم به « بوم گارتن » ، حاکم « رسبرگ » را که میخواسته است بزنی او خیانت کند کشته و فرار کرده است . سواران حکومتی در تعقیب وی میباشند و قاتل میخواهد از دریاچه « چهار کانتون » گذشته بدینوسیله خود را از چنگ سواران حکومتی برهاند . ولی طوفان شدیدی پدید آمده و کرجی ران عبور از دریاچه طوفانی را امکان ناپذیر می شمارد . در این ضمن « ویلهلم تل » از راه بکنار دریاچه میرسد ...



تل - این مرد کیست و برای چه استغانه میکند ؟

کواوونی ( شکارچی ) - از اهالی « التزلن » است که برای

حفظ شرافت خود « ولفن شینن » حاکم « رسبرگ » را بقتل رسانیده. و اکنون سواران حکومتی در جستجوی او هستند. بیچاره میخواهد از دریاچه عبور کند و جان خود را از مرگ برهاند ولی کرجی ران از طوفان میترسد و از راندن کرجی استنکاف میکند .

**رودی ( کرجی ران )** - خوب شد که تل آمد ، او هم در بارو زدن استاد میباشد ، و هم تصدیق خواهد کرد که عبور از دریاچه خطرناکست .

**تل** - رفیق ، در صورت لزوم میتوان جانرا در خطر افکند . ( در همین ضمن رعد باصدای مهیبی میغرد و تلاطم دریاچه شدید میشود . )  
**رودی** - - توقع دارید که من از جان خود بگذرم ! هرگز کسی اگر عقل داشته باشد چنین کاری نخواهد کرد .

**تل** - مردمان صاحبدل همیشه جان دیگران بر جان خود مقدم می شمارند . خود را بخدا بسپار و این بدبخت را خلاص کن !  
**رودی** - در پناه ساحل نصیحت دادن کار سهایست . این کرجی و آنهم دریاچه ، امتحان کنید !

**تل** - - امواج دریا ممکن است بشما رحم کنند ، اما حاکم ، بکسی رحم نمیکنند ، کوشش کن شاید او را نجات دهی .  
**شکارچی** - - نجاتش بده !

**رودی** - - اگر بجای او برادر یا طفل عزیز منم باشند ، غیر ممکنست . امروز دریا خیلی خشمگین است و قطعاً یکفررا خواهد کشت .  
**تل** - - حرف بهوده نمری ندارد ، وقت تنگست و باید با این بدبخت مساعدت کرد ، او را از آب میگذرانی یانه ؟

**رودی** - - خیر ، اینکار از من ساخته نیست .  
**تل** - - بسیار خوب ، بامان خدا ! پس کرجی را بمن بده تل ، قوای ضعیف خود را بیازمایم .



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



خط را بسرخد عثمانی و ایران و خط سعدیه به خانقین مربوط نماید. بمحض اینکه این قسمت خط آهن بغداد خاتمه پذیرفت و این امتیاز گرفته شد باید اقدامات ساختن خط مذکور منتها تا دو سال بعد از خاتمه خط سعدیه به خانقین شروع شود و در مدت چهارسال خاتمه یابد. حکومت روس مختار است که در وقت مقتضی بایجاد قطعی خط مزبور مبادرت ورزد ولی در آن وقت نظریات حکومت آلمان را ملحوظ خواهد داشت. دولتین باتجارت بین المللی در خطوط خانقین تا طهران و خانقین به بغداد موافقت نموده از اقداماتیکه ممکن است عایق معاملات باشد اجتناب خواهد نمود، از قبیل وضع حقوق گمرکی عبور یا اجرای تعرفه متغیر. اگر دو سال بعد از خاتمه شعبه خط سعدیه به خانقین خط آهن قوینه به بغداد ساختمان خط خانقین و طهران شروع نشود دولت روسیه آلمان را از انصراف خود نسبت بامتیاز خط اخیر اطلاع خواهد داد. در این صورت دولت آلمان حق تقاضای امتیاز این خط را خواهد داشت.

**ماده سوم** - نظر باهمیت عمومی که احداث راه آهن بغداد نسبت بتجارت بین المللی دارد دولت روسیه ملتزم میشود که از هر گونه اقدام که ممکن است مانع ایجاد راه آهن یا مانع شرکت سرمایه های خارجی در این مؤسسه باشد خود داری نماید ولی بشرط اینکه هیچگونه خسارت مالی یا اقتصادی از این بابت متوجه روسیه نشود.

**ماده چهارم** - حکومت روس مختار است که حق الصاق خطوط آهن ایران و خط سعدیه و خانقین را بعهده دیگر از سرمایه داران خارجی محول دارد.

**ماده پنجم** - گذشته از این حکومت روس مختار است بهر شکلی که صلاح بدانند در عملیات شرکت نموده و در مقابل تادیه وجوهیکه فی الواقع مباشرین ساختمان خرج نموده اند خط آهن را مالک شود. بعلاوه متعاهدین ملتزم میشوند که در کایه مزایا از تعرفه و غیره که راجع به این خط نصیب یکی از طرفین بشود طرف دیگر را سهم نمایند. سایر مقررات قرار داد فعلی در تمام موارد صحیح است.

امضاء: نراتف ( از طرف روسیه ) پورتالی ( از طرف آلمان )

ترجمه س. ع.